

عاشورا از نگاه اندیشمندان جهان

علاءالدین ملکاف

طلبه سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه

تأثیری که حادثه کربلا و قیام حسین بن علی (علیهماالسلام) بر اندیشه مردم جهان، حتی غیر مسلمانان داشته، بسیار است. عظمت قیام و اوج فداکاری و ویژگیهای دیگر امام و یارانش سبب شده که اظهار نظرهای بسیاری درباره این نهضت و حماسه آفرینان عاشورا داشته باشند. نقل سخنان همه آن کسان کتاب قطوری می‌شود. به ویژه که برخی از نویسندگان غیرمسلمان مستقلاً کتابهایی درباره این حادثه نوشته‌اند. در اینجا تنها تعدادی اندک از این نظرها (از مسلمان غیرمسلمان) آورده می‌شود. عاشورا چشمه همیشه جاری است که فرد، جامعه و تاریخ را سیراب ساخته و می‌سازد. مکتب استوار بر حقایقی است که ساختن و ساخته شدن را می‌آموزد. اقیانوس ژرفی است که گهرهای بی‌بدیل دارد. هر چند تاکنون پرده‌هایی از سیمای تابناک این حقیقت همیشه جاوید کنار زده شده و هر روز می‌شود، اما بشریت برای دست یافتن به مسیر سلوک به تحقیق و پژوهش در این واقعه محتاج است. یکی از مهم ترین وقایع تاریخ - چه در جزئیات واقعه و چه در کلان و تحلیل آن - بدون تردید قیام حضرت سیدالشهدا(ع) و ابعاد شخصیتی و آثار حرکتی آن بزرگوار است. تلاش برای تحلیل قیام عظیم عاشورا نزد پیروان مکتب اهل بیت(ع) همواره جایگاه خاصی داشته است و به اعتراف بسیاری از جامعه‌شناسان، یکی از ارکان اصلی پابرجایی مکتب اهل بیت(ع) تأثیرات پیدا و پنهان عاشورا است. قرن‌ها از قیام حسینی و نهضت خونین کربلا می‌گذرد. ولی نام و یاد این جانفشانی و حماسه‌آفرینی بر صفحه دل‌ها و دفتر تاریخ جاودانه می‌درخشد.

قرن‌ها از قیام حسینی و نهضت خونین کربلا می‌گذرد. ولی نام و یاد این جانفشانی و حماسه‌آفرینی بر صفحه دل‌ها و دفتر تاریخ جاودانه می‌درخشد. امام حسین(ع)، پیشوای آزادگان با تکیه بر آیات قرآن در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستاد، چراکه انسان آزاد آفریده شده و انسان آزاد هرگز در برابر بی‌عدالتی سکوت نمی‌کند و ذلت را نمی‌پذیرد.¹

ماه محرم یادآور حادثه‌ای عظیم در تاریخ اسلام و بلکه جهان است؛ حادثه‌ای که در عین شکوه‌مندی، دردناک است و در همان حال که غرور را برمی‌انگیزد و انسان را به وجد می‌آورد، اشک اندوه را نیز از دیده جاری می‌کند. اما آن روی این حادثه که انسان را به وجد می‌آورد و غرور می‌آفریند، رشادت امام حسین(ع) و یارانش مقابل خیل حرامیان و فاسقان است و به‌رغم تعداد اندکشان در مقابل تعداد کثیر دشمن، بدون هیچ ترسی و واهمه‌ای ایستادگی نمودند و با هیچ تطمیع و تهدیدی حاضر به مصالحه نشدند. آری اینچنین است که حادثه کربلا به غم‌انگیزترین حادثه تاریخ اسلام بدل شده

است؛ اما آنچه به گریه‌ها و ضجه‌های شیعیان در سوگ اباعبدالله الحسین (ع) اعتبار می‌بخشد، شناخت شخصیت امام و راه و هدف ایشان است که طبیعتاً این شناخت، اقتدا به او را به دنبال دارد.

- مهاتما گاندی²:

«من زندگی امام حسین، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از امام حسین پیروی کند».

- ژران کالمار می‌نویسد:

«تجدید خاطره فاجعه کربلاء به صورتی که در زمان صفویه جانی تازه گرفت دنبال سستی دراز از آداب مذهبی است، در سراسر دوران صفویان، مراسم محرم با شکوفایی ادامه یافت و بخش‌های از ادبیات عامیانه به آن افزوده شد».

- توماس هربرت در گزارش خویش می‌گوید:

«مردم در ایام عزاداریهای محرم در حال رفت و آمد در میادین و معابر شهر هستند و در این مدت نه سر می‌تراشند و نه ریش را، با لحن غم‌انگیز فریاد یا حسین را از دل می‌کشند و هر سال نظیر این مراسم را تکرار می‌کنند».

- دکتر مارین آلمانی می‌گوید:

«ما اروپایی‌ها ممکن است این صحنه‌ها را جنون‌آمیز بدانیم و به مجرد اینکه حرکاتی را از مراسم ملی و مذهبی گروهی را دیدیم که مخالف عادات ماست، به آن نسبت جنون و وحشیگری دهیم و حال آنکه ما غافلیم از اینکه اگر به این اعمال رسیدگی کنیم می‌بینیم که مراسم عقلایی و سیاسی است؛ همچنان که آن را در همین فرقه شیعه مشاهده می‌نماییم».

- محمد علی جناح³:

«هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آنکه امام حسین از لحاظ فداکاری و تهور نشان داد در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد پیروی نمایند».

- چارلز دیکنز⁴:

«اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته‌های دنیایی بود، من نمی‌فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می‌نماید که او فقط به خاطر اسلام، فداکاری خویش را انجام داد».

- توماس کارلایل⁵:

«بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم، این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند. آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل رو برو می‌شود اهمیت ندارد و پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت، باعث شگفتی من است».

– ادوارد براون⁶:

«آیا قلبی پیدا می‌شود که وقتی درباره کربلا سخن می‌شنود، آغشته با حزن و الم نگردد؟ حتی غیر مسلمانان نیز نمی‌توانند پاکی روحی را که در این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت انکار کنند».

– فردر جمس:

«درس امام حسین و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییر ناپذیرند و همچنین می‌رساند که هرگاه کسی برای این صفات مقاومت کند و در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند».

– ل.م. بوید:

«در طی قرون، افراد بشر همیشه جرأت و پردلی و عظمت روح، بزرگی قلب و شهامت روانی را دوست داشته‌اند و در همین هاست که آزادی و عدالت هرگز به نیروی ظلم و فساد تسلیم نمی‌شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین . و من مسرورم که با کسانی که این فداکاری عظیم را از جان و دل ثنا می‌گویند شرکت کرده‌ام، هر چند که ۱۳۰۰ سال از تاریخ آن گذشته است».

– واشنگتن ایروینگ⁷:

«برای امام حسین (علیه‌السلام) ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی‌داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در روی ریگهای تفتیده عربستان، روح حسین فنا ناپذیر است. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین».

– توماس ماساریک:

«گرچه کشیشان ما هم از ذکر مصائب حضرت مسیح مردم را متأثر می‌سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین (علیه‌السلام) یافت می‌شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و

گویا سبب این باشد که مصائب مسیح در برابر مصائب حسین (علیه السلام) مانند پر کاهی است در مقابل یک کوه عظیم پیکر»

- موریس دوکبری:

«در مجالس عزاداری حسین گفته می شود که حسین، برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زیربار استعمار و ماجراجویی یزید رفت. پس بیایید ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده، از زیردست استعمارگران خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی ذلت ترجیح دهیم».

- مارین آلمانی⁸:

«حسین (علیه السلام) با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود، به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت. این سرباز رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هرچه ظاهراً عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پر کاهی بر باد خواهد رفت».

- بنت الشاطی:

«زینب، خواهر حسین بن علی (علیهما السلام) لذت پیروزی را در کام ابن زیاد و بنی امیه خراب کرد و در جام پیروزی آنان قطرات زهر ریخت، در همه حوادث سیاسی پس از عاشورا، همچون قیام مختار و عبدالله بن زبیر و سقوط دولت امویان و برپایی حکومت عباسیان و ریشه دواندن مذهب تشیع، زینب قهرمان کربلا نقش برانگیزنده داشت».

- لیاقت علی خان⁹:

«این روز محرم: برای مسلمانان سراسر جهان معنی بزرگ دارد. در این روز، یکی از حزن آورترین و تراژدیک ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد، شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) در عین حزن، نشانه فتح نهایی روح واقعی اسلامی بود، زیرا تسلیم کامل به اراده الهی به شمار می رفت. این درس به ما می آموزد که مشکلات و خطرها هرچه باشد، نایستی ما پروا کنیم و از راه حق و عدالت منحرف شویم».

- جرج جرداق¹⁰:

«وقتی یزید، مردم را تشویق به قتل حسین و مأمور به خونریزی می کرد، آنها می گفتند: "چه مبلغ می دهی؟" اما انصار حسین به او گفتند: ما با تو هستیم. اگر هفتاد بار کشته شویم، باز می خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم».

- احمد محمود صبحی:

«اگر چه حسین بن علی (علیهما السلام) در میدان نظامی یا سیاسی شکست خورد، اما تاریخ، هرگز شکستی را سراغ ندارد که مثل خون حسین (علیه السلام) به نفع شکست خوردگان تمام شده باشد. خون حسین، انقلاب پسر زبیر و خروج مختار و نهضت‌های دیگر را در پی داشت، تا آنجا که حکومت اموی ساقط شد و ندای خونخواهی حسین، فریادی شد که آن تختها و حکومتها را به لرزه در آورد».

- آنطون بار¹¹:

«اگر حسین از آن ما بود، در هر سرزمینی برای او بیرقی بر می‌افراشتیم و در هر روستایی برای او منبری بر پا می‌نمودیم و مردم را با نام حسین به مسیحیت فرا می‌خواندیم».

- گیون¹²:

«با آنکه مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما با صاحب واقعه هم وطن نیستیم، مع ذلک مشقات و مشکلاتی که حضرت حسین (علیه السلام) تحمل نموده، احساسات سنگین دل‌ترین خواننده را بر می‌انگیزد، چندانکه یک نوع عطف و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می‌یابد».

- نیکلسون¹³:

«بنی امیه، سرکش و مستبد بودند، قوانین اسلامی را نادیده انگاشتند و مسلمین را خوار نمودند... و چون تاریخ را بررسی کنیم، گوید: دین بر ضد فرمانفرمایی تشریفاتی قیام کرد و حکومت دینی در مقابل امپراتوری ایستادگی نمود. بنابراین، تاریخ از روی انصاف حکم می‌کند که خون حسین (علیه السلام) به گردن بنی امیه است».

- سرپرسی سایکس¹⁴:

«حقیقتاً آن شجاعت و دلاوری که این عده قلیل از خود بروز دادند، به درجه‌ای بوده است که در تمام این قرون متمادی هر کسی آن را شنید، بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود. این یک مشت مردم دلیر غیرتمند، نامی بلند غیر قابل زوال برای خود تا ابد باقی گذاشتند».

- تاملاس توندون¹⁵:

«این فداکاریهای عالی از قبیل شهادت امام حسین (علیه السلام)، سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند و یادآوری شود».

- محمد زغلول پاشا (در مصر، در تکیه ایرانیان):

«حسین (علیه السلام) در این کار، به واجب دینی و سیاسی خود قیام کرده و اینگونه مجالس عزاداری، روح شهامت را در مردم پرورش می‌دهد و مایه قوت اراده آنها در راه حق و حقیقت می‌گردد».

– عبدالرحمان شرقاوی¹⁶:

«حسین (علیه السلام)، شهید راه دین و آزادگی است. نه تنها شیعه باید به نام حسین ببالد، بلکه تمام آزاد مردان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند».

– طه حسین¹⁷:

«حسین (علیه السلام)، برای به دست آوردن فرصت و از سرگرفتن جهاد، در آتش شوق می سوخت. او زبان را درباره معاویه و عمالش آزاد کرد، تا به حدی که معاویه تهدیدش نمود. اما حسین، حزب خود را وادار کرد که در طرفداری حق سختگیر باشند».

– عبدالحمید جوده السحار¹⁸:

«حسین (علیه السلام) نمی توانست با یزید بیعت کند و به حکومت او تن بدهد، زیرا در آن صورت، بر فسق و فجور، صحنه می گذاشت و ارکان ظلم و طغیان را محکم می کرد و بر فرمانروایی باطل تمکین می نمود. امام حسین به این کارها راضی نمی شد، گرچه اهل و عیالش به اسارت افتند و خود و یارانش کشته شوند».

– علامه طنطاوی¹⁹:

«(داستان حسینی) عشق آزادگان را به فداکاری در راه خدا بر می انگیزد و استقبال مرگ را بهترین آرزوها به شمار می آورد، چندانکه بر شتاب به قربانگاه، بر یکدیگر پیشی جویند».

– العبیدی²⁰:

«فاجعه کربلا در تاریخ بشر نادره ای است، همچنان که مسبب آن نیز نادره اند... حسین بن علی (علیهما السلام) سنت دفاع از حق مظلوم و مصالح عموم را بنا بر فرمان خداوند در قرآن به زبان پیامبر اکرم وظیفه خویش دید و از اقدام به آن تسامحی نورزید. هستی خود را در آن قربانگاه بزرگ فدا کرد و بدین سبب نزد پروردگار، "سرور شهیدان" محسوب شد و در تاریخ ایام، "پیشوای اصلاح طلبان" به شمار رفت. آری، به آنچه خواسته بود و بلکه برتر از آن، کامیاب گردید».²¹

زیبایی های عاشورا از نگاه مولوی

یکی از درس هایی که از واقعه کربلا می توان گرفت و باید در آن تأمل کرد؛ همین است که کجا می ارزد که آدمی جان خود را ببازد؟ آنچه تاکنون از تحلیل واقعه کربلا گفته شده؛ این است که آزادی و ذلت ناپذیری آدمی حکم می کند که جان خود را بر سر حریت خود بگذارد، این درست است، آدمی شریف تر و عظیم تر از آن است که خود را به متاع حقیر و بی ارزشی بفروشد، این مساله، جنبه روان شناسی شخصی دارد، اما وقتی ظلم شکل اجتماعی پیدا می کند، وقتی که با سست شدن ظلم مواجه می شود و آن ظلم به تدریج شیوه و روش همگانی پیدا می کند، در اینجاست که شورش و

قیام، جواز بلکه حکم و جوب پیدا می‌کند و حال این شورش و شوریدن هم عنصری عقلانی دارد هم عنصری عاشقانه، در آن هم سیاست درج است هم شهادت، هم عاشقی و هم عاقلی .
و اینجاست که سخن از نگاه جلال‌الدین رومی (مولانا)، نسبت به حادثه کربلا موضوعیت پیدا می‌کند؛ جناب مولانا، یکی از کسانی بود که به طور مشخص نسبت به شخص امام حسین (ع) و حرکت او ارادت می‌ورزید و یاد و نام ایشان را محترم نگه می‌داشت. وی در دو جا به طور مشخص درباره حادثه کربلا سخن گفته است، یک بار در مثنوی و دیگری در دیوان شمس. مولانا در مثنوی ضمن آن که به شرح داستانی می‌پردازد، در فحوای داستان، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا کربلا فقط یک چهره داشته است و آن هم چهره غم و اندوه و درد و رنج، یا آن که چهره‌ها و بواطن دیگری هم داشته است سپس پاسخ می‌دهد آری، از یک طرف حضرت را کشتند و این درست است و غم‌انگیز است اما از سوی دیگر، او رها شد، به شکستن قفس نظر کنید، به آزاد شدن مرغ جان این سلطان از این زندان نظر کنید، می‌بینید که او با این رهیدن، شاد است .

جان سلطانی ز زندانی بجست

جامه چون دریم و چون خائیم دست

چون که ایشان خسرو دین بوده‌اند

وقت شادی شد چو بشکستند بند

درس دیگری که می‌شود از این شور و حماسه آموخت، درس زیبا دیدن جهان است، آموختن این که آدمی در زشت‌ترین زشتی‌ها همواره می‌تواند یک چهره زیبا ببیند و چه زیبا چشمان زیبایین حضرت زینب (س)، زیبایی‌ها را دید و فرمود «ما رایت الا جمیلا» لذا جناب مولانا اشاره می‌کند که اگر این عالم پر از زشتی و پلیدی شود، پاکان فقط از او پاکی نصیبشان خواهد شد .

گر جهان را پر در مکنون کنم

چون نصیب تو نباشد، چون کنم؟

گر شود عالم پر از خون مال مال

کی خورد مرد خدا الا حلال

حادثه‌ای اینچنین پر از زشتی و قساوت، چهره دیگری پیدا می‌کند، تصویری از ایثارگری و عاشقی و گذشت تام و تمام. در طبق اخلاص نهادن همه هستی خویش و حقیقتاً زیباترین حادثه عالم انسانی است و هر چه این گذشت وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد، آن زیبایی وسیع‌تر و عظیم‌تر خواهد بود و جناب مولانا به واقعه عاشورا و کربلا و امام حسین (ع) به چشم یک پاکبازی مطلق می‌نگریست. این غزل مولوی را که از سر ارادت در وصف یاران و شهدای کربلا گفته است، بارها شنیده‌ایم؛

کجایید ای شهیدان خدایی

بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبکبالان عاشق
پرنده‌تر ز مرغان هوایی
کجایید ای ز جان و جا رهیده
کسی مر عقل را گوید کجایی؟

این چند بیت اندک، تصویر کامل و غنی از یک ارادت‌ورزی صمیمانه است که می‌توان در وصف عاشقان واقعی ابراز کرد. این هم یک چهره است، یک تصویر است و این هم یک چشم است که آدمی می‌تواند به حادثه کربلا باز کند و درس تازه‌ای از آن بیاموزد، مهم‌ترین علامت عاشقی، ایشار و گذشت است و هیچ چیز دیگر به پای آن نمی‌رسد، این عاشقی یا ایثارگری به زبان و سخن نیست بلکه به عمل است. امام حسین (ع) تنها از جانش نگذشت از همه برخورداری‌هایش گذشت. او یک بار شهید نشد، هزار بار شهید شد، با سلب هر حقی، با شهادت هر یاری و با خوردن هر تهمتی و به عوض هزار بار هم عروج کرد و معراج یافت. آری حادثه کربلا برای کسی چون جلال‌الدین مولوی عبارت بود از حادثه در زندان را شکستن، حادثه به نوا رسیدن یا به نوا رساندن بینوایان و حال پس از گذشت سال‌ها از آن حادثه چه بسیار تابلوها و تصاویر و بواطن دیگر است که هنوز مکتوم مانده و باید مکشوف شود.

پی‌نوشت‌ها

- 1 - کتاب «درسی که حسین به انسانها آموخت»، شهید هاشمی نژاد، ص ۴۴۷
 - 2 - رهبر استقلال هند
 - 3 - قائد اعظم سابق پاکستان
 - 4 - نویسنده معروف انگلیسی
 - 5 - فیلسوف و مورخ انگلیسی
 - 6 - مستشرق معروف انگلیسی
 - 7 - مورخ مشهور آمریکایی
 - 8 - خاورشناس
 - 9 - نخست وزیر پاکستان
 - 10 - دانشمند و ادیب مسیحی
 - 11 - دانشمند مسیحی
 - 12 - مورخ انگلیسی
 - 13 - خاورشناس معروف آمریکایی
 - 14 - خاورشناس انگلیسی
 - 15 - هندو، رئیس کنگره ملی هندوستان
 - 16 - نویسنده مصری
 - 17 - دانشمند و ادیب مصری
 - 18 - نویسنده مصری
 - 19 - دانشمند و فیلسوف مصری
 - 20 - مفتی موصل
 - 21 - برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید:
- 1- تعزیه هنر بومی، پیترو چلکاووسکی، ترجمه داود حاتمی، مقاله ژان کالمار، ص 166-167
 - 2- معتقدات و آداب ایرانی، هانری ماسه، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، مجله پاسدار اسلام، شماره 81، ص 60
 - 3- آشنایی با امام حسین (ع)، میرزا باقر زفره‌ای اصفهانی، ص 345